

زنده‌کردن جامعه، مهم‌ترین رهاورد ولی‌عصر(عج)

مهم‌ترین رهاورد ولی‌عصر(عج)، زنده‌کردن جامعه اسلامی، بلکه انسانی است؛ این اصل اول.



مهم‌ترین رهاورد ولی‌عصر(عج)، زنده‌کردن جامعه اسلامی، بلکه انسانی است؛ این اصل اول. به استناد همین اصل است که از رسول گرامی(ص) رسیده است: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً(1). اگر امام عصر عامل حیات است، شناخت او و اعتقاد به او و التزام به دستورهای او حیات‌بخش است و اگر کسی او را نشناسد و ملتزم به احکام و دستورهای او نباشد، مرده جاهلی است؛ پس حیات عقلی را امامت به جامعه اعطای کند. اصل دوم آن است که حیات بخشی امامت نظیر حیات بخشی قرآن کریم است چون این دو حقیقت هماهنگ‌اند و هرگز از هم جدا نیستند. اگر در سوره مبارکه انفال آمده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ(2) یعنی دعوت وحی عامل حیات جامعه انسانی است؛ چه اینکه جامعه عرب قبل از وحی به مرگ جاهلی زنده بود و می‌مرد. آن زندگی آنها در حقیقت مرگ جاهلیت بود؛ مرگی بود جاهلانه... و با قرآن زنده شدند. پس هماهنگی وحی و عترت، قرآن و اهل بیت(ع) در حیات‌بخشی این دو عنصر محوری است؛ این هم اصل دوم. جریان پر کردن جامعه به عدل و داد، این زیرمجموعه حیات انسانی جامعه است. اگر جامعه‌ای زنده بود، به سراغ فرهنگ و عدل می‌رود. ملت مرده نه اهل فرهنگ است و نه اهل عدل و داد! این بیان نورانی ائمه(ع) که درباره ولی‌عصر(عج) آمده است، امری است فرعی و نه اصلی. کار اصلی ولی‌عصر این نیست که جهان را پر از عدل و داد می‌کند. عدل و داد وصف انسان زنده است. تا آن اصل را ولی عصر اعطا نکند، جامعه را زنده نکند، هرگز آنها عادل نخواهند بود. اول باید به حیات انسانی زنده بشوند، بعد علاقه‌مند عدل و داد. پس وجود مبارک ولی عصر طبق این دو اصل گذشته، عامل حیات است. باید بحث کرد که وجود مبارک امام زمان(عج) چگونه جامعه را زنده می‌کند. مگر جامعه هم‌اکنون زنده نیستند؟ مگر اکثر مردم مرده‌اند؟ یک بیان نورانی علی(ع) در نهج‌البلاغه است که آن حیات و ممت انسانی را تبیین می‌کند. آنگاه روشن می‌شود که وجود مبارک ولی عصر اول جامعه مرده را زنده می‌کند، بعد جامعه زنده را به عدل و داد فرامی‌خواند؛ ملت زنده مشتاق عدل و داد است. آن بیان نورانی امیر مؤمنان(ع) این است که بعضی‌ها به حسب ظاهر و صورت، انسانند و در باطن، حیوانند و چنین افرادی مرده‌های متحرکند؛ فَالصُّورَةُ صُورَةُ إِنْسَانٍ وَ الْقَلْبُ قَلْبُ حَيَوَانَ وَ ذَلِكَ مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ(3). فرمود: عده‌ای به حسب ظاهر انسانند، باطن آنها یا درنده‌خویی است یا طمع و آرزو و شهوترانی است؛ از خصوصیت انسانی و فرشتگی خبری نیست. فَالصُّورَةُ صُورَةُ إِنْسَانٍ وَ الْقَلْبُ قَلْبُ حَيَوَانَ وَ ذَلِكَ مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ؛ یعنی در بین زنده‌ها، اینها مرده‌های متحرکند؛ از این افراد در جامعه کم نیستند. وقتی وجود مبارک ولی‌عصر(عج) ظهور کرد، صورت را که صورت انسان است مطابق سیرت می‌کند. و سیرت را که سیرت حیوان است، مطابق صورت می‌کند آن سیرت اصلی و واقعی را انسانی قرار می‌دهد؛ بعد از آنکه آن سیرت را واقعی و انسانی قرار داد، این صورت را مطابق آن سیرت می‌کند. این جامعه ظاهراً و باطناً می‌شوند انسان. چنین جامعه‌ای را به عدل و داد فرامی‌خواند، آنها را اهل فرهنگ و داد می‌کند. وجود مبارک ولی عصر(عج) جامعه را زنده می‌کند و جامعه زنده تشنه عدل و داد است.

پی‌نوشت:

(1) وسائل‌الشیعه/ جلد16/ صفحه 246

(2) سوره انفال/ آیه 24

(3) نهج‌البلاغه/ خطبه 87

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی